

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محک باستانی

۱۱/۰۲/۲۴

پاسخ به آقای باقی سمندر سخن گوی سایت گفتمان

(۲)

آقای سمندر!

چند لحظه قبل زمانی که خواستم جواب به نوشته شما را دوام بدهم ، لازم دانستم تا بعضی قسمت های آنرا دوباره از نظر بگذرانم. هیچ نمی توانم باور کنم که فردی که حتا به نام و از روی بوالهوسی از سالها بدینسو درمجامع چپ ("چپ") لولیده باشد ، به این اندازه پست و بی وجدان از آب درآید که واضحاً و بدون کوچکترین نشانه شرم از صدها هزار بیتم و بیوه قربانی جنایات روس ها و نوکران شان و هزاران هزار هموطن ما که به وسیله آن فاشیست های خونریز ملبس با قبای "سوسیالیزم" شهید شدند ، با اینهمه جدیت ، صداقت و سرسپردگی از یکی از گستاخ ترین جانیان و شکنجه گران رژیم داوود - خلق - پرچم دفاع نماید. شما خودتان اگر کمی از حالت جنون زدگی تان بیرون آمده باشید ، به این سطور نوشته خودتان توجه نمایید:

۱. "صمد از هر معدن بافرستان عکس خندان شما از پیش خندیده است و حالا زمینه بیشتر برای خنده اش

میسیر گردیده است!" (۱)

بدون تردید "عکس خندان شما" تعبیر بامای می یابد زیرا موقف و گفتار شما صد فیصد مؤید آن است و با وی برغم واندوه قربانیان جنایات پرچی ها و بداران روسی شان یکجا قهقهه سر می دهید.

۲. "صمد از هر مقاله هائی برای انتشار در گفتمان فرستاده است و همه تا حال بدون کم و کاست منتشر شده اند."

باز هم مبارک شما و دیگر یاران خائن ، مردم ستیز و وطنفروش تان باد! شما در واقع از اعتماد آن عنصر کثیف و سراپا جنایت به خود می بالید و همه مقالات اورا صاقانه و مخلصانه بدون کم و کاست منتشر می سازید. **بدنام ترین و رسواترین خائنین به وطن و مردم باید در رقابت دون صفتی با شما ، از خجالت آب شوند.**

خودت آقای سمندر! با حقم فوق العاده ای که از خود بروزی دهی ، نه تنها سند خیانت بلکه سند اعتراف به خیانت (خود و همدستان "دموکرات") ات را برای محاکمه آتی تان از حال به دسترس مردم قرار می دهید ؛ که از این ناحیه باید آن را دستاوردی برای مردم ستدیده مادانست. شماها کوبیدن بردهان خائنین پرچمی را به طرح سوالاتی از آنها خلاصه می سازید ، آنهم در موردی که هیچ ارتباطی با جنایات جمعی آنها نداشته بلکه به قتل یک فردی که فردشناس یک دولت در گذشته بود مشروط می شود.

۳. "در کابل نات حالا بیشتر از ده هزار کلمه در مورد صمد از هرنوشته است و درگفتمان نیز این مقاله ها تا حالا منتشر شده است."

آقای سمندر! این اگر تبلیغ بی ریا و ارادتمندانه برای یک پرچمی خائن و یک جانی کثیف نیست ، پس چیست؟ من نمیدانم شما با کدام روی باز هم دم از "ضدیت" با خلقی ها و پرچمی ها خواهید زد؟ شما باید سالها پیش و قبل از آنکه عده ای را با "شورای دموکراسی" و "فریاد" تان به تارخام ببندید ، به حزب نامنهاد "دموکراتیک خلق" می پیوستید زیرا "دموکراسی" امروز شما با ثبوت حمایت از بقایای تاریخ زده و متعفن خلق و پرچم ، با "دموکراتیک" بودن یعنی ضد مردمی بودن همان حزب گره می خورد. شما در واقع برادران تنی همدگر هستید که امروز یکدیگر را باز یافته و محبت تانرا نمی توانید از انظار پنهان سازید. در این مورد ضرور نیست "اگر" و "مگر" بگوئید زیرا نقاب خود را خود دریدید و همه اعترافات تان در همین صفحات انترنیت از برابر چشمان مردم ما می گذرد و ثبت حافظه آنها و حافظه تاریخ می گردد.

۴. "اگر محک باستانی یا سید موسی عثمان هستی ، کینه شخصی به افرادی نداشته باشند ، می توانستند در همان سایت افغانستان آزاد یا گفتمان یا کدام سایت دیگر تا حال به نقد دیدگاههای صمد از هر در مورد قتل یا خودکشی میوندوال بنویسند. اما چرا نمی نویسند و یا چرا ننوشتند؟"

گرچه از آغاز این نوشته بعضی نکات به تکرار مطرح شده اند ولی باکی نیست زیرا برای "فام" ساختن طرف مقابل ، چاره دیگری وجود ندارد. از آنجمله است مسأله کینه شخصی. حقه بازانی از قماش باقی سمندرو یاران پشت پرده اش با اتهام کینه شخصی می خواهند تضاد خلق ما با وطنفروشان را جنبه کینه توزی شخصی داده و آن را از اهمیت تاریخی آن تهی سازند. به این "نوابغ: خبانت باید تفهیم شود که اگر به علاوه ناتو، ایساف ، دهها و صدها قوت فاشیست و اشغالگرا در عقب تان داشته باشید ، هنوز هم قادر نخواهید بود که حجم جنایات شرکای پرچمی توطئه های تانرا از یک مسأله ملی و تاریخی به یک کینه و عداوت شخصی تنزیل دهید. مسأله دیگر ، گویا "نقد دیدگاههای صمد از هر...": همان گفته مشهور است که می گویند:

"دزد را در قلعه نمی گذارند ؛ اسپ خود را در خانه ملک می بندد":

صمد از هر جانی و شکنجه گرا کسی حق نظر دادن در مسائل ملی و وطنی نمی دهد و شما "خدائی خدمتگاران" خود فروخته وی را عنصر با اعتباری جلوه داده می خواهید با فراخواندن دیگران (وما!) ، به وی آبرو و اهمیتی به وجود آورده و چرندیات یک وطنفروش شناخته شده و پوچ را پراهمیت و قابل نقد جاز کنید.

آقای سمندر! شما که یک شخص "از خودغافل" هستید ولی یاران توطئه گر "از خودآگاه" تان باید آگاه باشند که با موقع دادن بیش‌رمانه قاتلان مردم در پرده مندرس "دموکراسی" و رعایت "اصول دموکرات ها" جهت سرهم بندی مباحث و توجیحات من درآوردی ، آنها به طور آگاهانه و عامدانه ، در برابر چشمان ملت و نسل آینده کشور، به تحریف تاریخ می پردازند. تئوریسن ها و سیاسیون گفتمان هر قدر هم سعی نمایند تا خیانت آشکار خود را در لافافه حق ابراز نظر به مخالفان و غیره و غیره پنهان نمایند ، این واقعیت را از چشم تیزبین مردم نمی توانند کتمان نمایند که با کمک جلادان مردم ، آگاهانه به مسخ تاریخ چند دهه گذشته کشور ما مصروف اند.

۵. "من یکی از سرسخت ترین انسانهایی هستم که مخالف سانسور و خودسانسوری می باشم."

آقای سمندر! می گویند "نمی شود ... را با عطسه پنهان نمود". شما (مسئولین واقعی گفتمان) هرگز قادر نخواهید شد که خیانت آشکار تان به ملت و به خصوص به قربانیان مظلوم و جنایات حزب بدنام خلق و پرچم و باداران سوسیال فاشیست آنها را در بازگذاشتن دهن کثیف و قلم فرسائی پرچمی ها و دیگر دشمنان سوگند خورده مردم با ادا درآوردن مضحک "مخالفت با سانسور" توجیه نمائید ؛ و در ضمن قسمی وانمود بسازید که اشخاصی چون این قلم ، در به راه نینداختن بحث! با پرچمی های کثیف! به "خودسانسوری" متوسل می شوند. این عشوہ گری های کاسبکارانه تان را برای تشجیع آنهایی به کارببرید که آلوده هستند و در پناه چتر خیانتی که شما برای شان آماده می سازید ، به دور معبود پرچمی شما جمع می شوند.

۶. "در گفتمان تا همین حالا بیشتر از صد هزار واژه در مورد کودتای هفت ثور، ششم جدی و تجاوز شوروی و قتل و قتال و شکنجه و اعدام های فردی و جمعی از طرف بسیاری از نویسندگان نوشته شده است و خوشبختانه در گفتمان موجود می باشد..."

کاملاً درست می گویند آقای سمندر! من قبلاً در جواب آقای ق. راشد هم به این نکته اشاره نموده بودم که هستند عده ای پاکطینت و صادق به وطن و مردم که به سایت گفتمان به ضد " کودتای هفت ثور، ششم جدی و تجاوز شوروی و قتل و شکنجه و اعدام های فردی و جمعی" نوشته اند ؛ پس این موقف و نظرات آن نویسندگان بوده که سایت گفتمان آنها را به مرور زمان متراکم ساخته نه موقف و نظرات تئوریسن ها و سیاسیون گفتمان! و اگر چنین نیست ، پس حضور صمد از هر با نیشخند دارا کولائی اش در سایت گفتمان و استقبال مشتاقانه مسئولین گفتمان از وی به کدام مفهوم است؟ من زمانی که به نویسندگان خوب در سایت گفتمان اشاره می کنم، منظورم همان عده ای است که مواضع ضد دشمنان مردم داشته قلب شان برای ملت ستمدیده و سرزمین اشغال شده ما می تپد ولی از سایت گفتمان فقط به حیث وسیله پخش نوشته های خود استفاده می کنند. اعتراف شما به تجارت بالای مقالات آنها و آن مقالات را برای تطهیر تان در برابر موقع دادن به دشمنان سوگند خورده و قاتلان مردم به کار گرفتن ، بایست آن عده پاکطینت را به تفکر واداشته و پیش از آنکه خودشان و مقالات شان بیش از این ملعبه دست شماها قرار گیرند ، بهتر خواهد بود با جمع شیدان گفتمان قطع رابطه نمایند. هر قدر آن عده ، با درک واقعیت از آن طفره روند ، به همان اندازه در خیانت گردانندگان سایت گفتمان آغشته شده و توجیهی برای سکوت و دوام همکاری خود در آینده در پیشگاه مردم نخواهند داشت.

۷. "اگر گپ در مورد صمد از هر است ، پس باید در مورد مقالات اش مقاله هایی بنویسید".

مغزاین آقا واقعاً کرک است و آنچنان با تیبانی و انقیاد تخریر شده که هر چند سطر در میان ، نمی تواند عشق خود به "حرمت گذاری" به یک جنایتکار و "بزرگساز" آن پرچمی قاتل را لحظه ای فراموش نماید. وی چنین ادامه می دهد:

"من نخستین سوال ها را مطرح ساختم و تاهنوز مقاله های صمد از هر را می خوانم و هر وقتی وی در مورد نوشته های من نکته پایان در همین مورد خاص بگذارد ، نوشته ها و سوالهای من باز هم منتشر خواهند شد و بعدن صمد از هر نیز خواهد نوشت."

اعتراف و احتراز این نمی توان به دست آورد. آقای سمندر اولاً اعتراف می کند که صمد از هر را برای "رونق" دادن به سایت جامانده گفتمان به شیوه خاص خود دعوت می کند. بعداً اعتراف می کند به اینکه قرارداد باید به این زودی ها ختم نشود. هرگاه صمد از هر دیگر چیزی به خورد گفتمان داده نتوانست ، این آقای باقی سمندر "...باز آزادی!" خواهد بود که با طرح سؤالات مخلصانه خود حضور نامیمون آن جلاد شکنجه گر خلق ما را در سایت ننگین گفتمان تداوم خواهد بخشید... این را می گویند در مانده و در مانده طلب!

این آقای سمندر آنقدر وقیح و رسوا است که نه تنها به گند و افتضاح خود خوشنود است و به آن افتخار می کند که حتی با همان حمق از خود بیخود خود ، از من و آن افغان دیگر (آقای موسی عثمان هستی) هم دعوت به عمل می آورد که "آنچه را سید موسی عثمان هستی میداند و یا محک باستانی پس بایست برای خودشان نگه ندارند ، بنویسند و بگذارند تا صمد از هر هم بنویسد".

آقای سمندر! من به نمایندگی از آقای عثمان هستی حرف نمی زنم ولی درین چند روز خود شاهد بودید که حسابی حق تان را کف دست تان گذاشته و اگر ذره ای شرم و حیا در وجودتان باقی مانده باشد ، باید دیگر دنبال دفاع از صمد از هر (ویا هر خائن و وطن فروش دیگر) نگردید و به اصطلاح مردم ما "آب تان را بخرید". تاجائی که به خود من مربوط می شود ، باید تا حال درک نموده باشید - گرچه خیلی بعید به نظرمی رسد - که افغانی با خصوصیات این قلم را در دام تزویر فراخواندن ، به ریش خود خندیدن است!!

ادامه دارد

یادداشت:

نوشته های آقای "باقی سمندر" را که به رنگ سبز مشخص شده اند، به خاطر اجتناب از سوء تفاهم بدون ویراستاری و در نتیجه با اغلاط املائی و انشائی آن نشر نموده ایم. امید خوانندگان ارجمند و نکته سنج پورتال با این حرمت تفاهم داشته باشند.

اداره پورتال AA-AA